



نقش شاکی خصوصی در فرآیند دادرسی جرایم غیرقابل گذشت در دادسرا

مریم سادات مصطفوی*
مرتضی ناجی زواره**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۵/۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۸/۲۰

چکیده

ارتکاب برخی جرایم در جامعه، آنچنان سبب بر هم خوردن نظم و امنیت جامعه می‌شود که عامه مردم از هیئت حاکمه انتظار دارند بدون تقاضای افراد، مرتکبین را تعقیب کند. این جرایم، غیرقابل گذشت نام دارند و شاکی خصوصی (متضرر مستقیم از جرم که شکایت کیفری کرده است)، علی‌الاصول در فرآیند تعقیب مرتکبین آن‌ها، نقشی ایفا نمی‌کند. اما قانون‌گذار بنا به مصالحی همچون گسترش گذشت در جامعه و کاهش اثرات سوء مجازات بر مجرم، به خواست بزه دیده در این جرایم، توجه نموده است. با مطالعه سیاست حاکم بر قوانین داخلی، درمی‌یابیم، علی‌رغم نقش گسترده شاکی خصوصی که برخی از آن‌ها سبب تضييع حقوق متهم می‌شود، اثر بخشی به اراده او در مواردی، مشروط به موافقت دادگاه می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت شاکی خصوصی در دادرسی‌های جزایی جرایم غیرقابل گذشت، نقش فرعی دارد.

کلید واژه‌ها

شاکی خصوصی، مدعی خصوصی، جرایم قابل گذشت، جرایم غیر قابل گذشت، مجنی علیه (بزه‌دیده).

*. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز (نویسنده مسئول)

Marsmistafavi@gmail.com

Mor.Naji_Zavarei@iauctb.ac.ir

** عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

مقدمه

در ابتدای پیدایش مقررات آئین دادرسی کیفری، تعقیب همه جرایم، موکول به شکایت بزه دیده از جرم بوده و مقام تعقیب عمومی در شروع به رسیدگی، نقشی ایفا نمی‌کرد. به تدریج مقام تعقیب عمومی، عهده‌دار تعقیب برخی جرایم شد و اختیار تعقیب جرم در برخی موارد، از دست بزه دیده خارج شده و جرایم به دو دسته‌ی جرایم قابل گذشت و غیرقابل گذشت تقسیم گردید. برای برقراری هر چه بیشتر عدالت، قانون‌گذار می‌بایست قوانین را طوری تنظیم نماید که در درجه اول از تعقیب و مجازات افراد بی‌گناه جلوگیری شود و از سویی، جامعه از تعرض تبهکاران در امان بماند و مجرمین دستگیر شده، مجازات گردند. به‌علاوه سعی نماید کجروی‌های اجتماعی اشخاص را اصلاح نموده و آنان را باز اجتماعی کند. از طرف دیگر، قانون‌گذار می‌بایست در تدوین مقررات جزایی، حقوق بزه دیده را هم مدنظر قرار دهد تا بتواند از او رفع ظلم و خسارت نماید. بنابر این مقررات فاصله زمانی وقوع جرم تا خاتمه اجرای مجازات، به مراحل مختلفی تقسیم می‌شود. هر یک از این مراحل به‌وسیله مقام خاص و با تشریفات ویژه‌ای انجام می‌گیرد که آن‌ها را مراحل دادرسی‌های جزایی می‌نامند. این مراحل عبارتند از: کشف جرم، تعقیب، تحقیقات مقدماتی، صدور حکم و اجرای حکم. شاکی خصوصی در مراحل مورد اشاره، دارای نقش‌ها و امتیازات مختلفی است که بررسی کلیه آنها در این نوشتار نمی‌گنجد لکن می‌توان این نقش‌ها را در دو قسمت دادسرا و دادگاه بررسی نمود. در این مقاله برآنیم که به ایفای نقش شاکی خصوصی در نظام دادرسی کیفری جرایم غیرقابل گذشت در دادسرا و قبل از رسیدگی در دادگاه بپردازیم. لازم به ذکر است که اثرگذارترین نقش شاکی در این جرایم، گذشت می‌باشد. همچنین باید توجه داشت که گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم تعزیری غیرقابل گذشت مطرح می‌گردد چرا که گذشت در مجازات‌های غیر تعزیری مشمول احکام مربوط به خود می‌باشد.

تعریف شاکی خصوصی

در جرایم قابل گذشت، اختیار شروع و ادامه تعقیب، به دست شاکی خصوصی است و در جرایم غیرقابل گذشت نیز در مواردی ایفای نقش می‌نماید. قبل از ورود به تعریف شاکی خصوصی ابتدائاً به تعریفی از مجنی علیه یا بزه‌دیده می‌پردازیم. بزه دیده یا متضرر مستقیم از جرم، فردی است که جرم علیه تمامیت جانی مالی و حیثیتی خود او رخ داده است. اما متضررین از جرم علاوه بر شخص بزه دیده، ممکن است متعدد باشند. شاکی کسی است که شخصاً از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان (مادی یا معنوی) شده یا اینکه حق شکایت را مطابق قانون (به ولایت قائم مقامی زیان دیده از جرم)، پیدا نموده و در مقام تظلم، به مقام تعقیب و تحقیق، رجوع می‌کند. فایده تفکیک بزه دیده از متضرر از جرم، آن است که بزه دیده حق دارد در مقام طرح شکایت کیفری برآید، عنوان شاکی

خصوصی یافته و به‌عنوان یکی از اصحاب دعوا دارای حقوقی گردد. اما هر متضرر از جرمی بزه دیده نبوده و قابلیت طرح شکایت کیفری ندارد. متضررین غیرمستقیم جرم، قابلیت شاکی خصوصی شدن را ندارند، اما این بدان معنا نیست که نمی‌توانند وقوع بزه و تضرر خود را عنوان نمایند. بلکه قادرند به‌عنوان اعلام‌کننده، به مقام قضایی اعلام جرم نمایند. در حقیقت معیار ورود بزه دیده به فرآیند دادرسی به‌عنوان شاکی خصوصی، ضرر و زیان می‌باشد. بزه دیده که شکوائیه به دادسرا تقدیم می‌کند، شاکی خصوصی نام می‌گیرد. قید «خصوصی» منضم به شاکی خصوصی، بیانگر آن است که شاکی خصوصی در مقابل شاکی عمومی (دادستان) قرار می‌گیرد. از جمله اهمیت شناسایی شاکی در جرایم غیر قابل گذشت در تعقیب جرم منافی عفت و کیفیت اثبات آن است. به‌موجب ماده ۱۰۲ ق. آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ هرگونه تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت ممنوع است... مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شود و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان یافته باشد که در اینصورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط قاضی دادگاه انجام می‌شود. طبق تبصره یک همین ماده، در جرایم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدوا قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار میکند. ملاحظه می‌شود که یکی از موجبات تعقیب جرایم منافی عفت شکایت شاکی است و از طرفی توصیه به عدم اقرار در صورتیست که شاکی وجود نداشته باشد.

مفهوم مدعی خصوصی

مدعی خصوصی همان متضرر مستقیم از جرم است که قبلاً دعوای کیفری طرح کرده و عنوان شاکی خصوصی یافته است و سپس دادخواست ضرر و زیان به دادگاه تقدیم می‌کند. ماده ۱۰ قانون صدرا اشاره در بیان تعریف شاکی خصوصی و مدعی خصوصی، بیان داشته است که، بزه دیده شخصی است که از وقوع جرم، متحمل ضرر و زیان شده و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، شاکی و هرگاه جبران ضرر و زیان وارد شده را مطالبه کند، مدعی خصوصی نامیده می‌شود. بنابراین بین شاکی و مدعی، عموم و خصوص مطلق وجود دارد. یعنی هر مدعی، خصوصی شاکی خصوصی است. اما هر شاکی خصوصی، مدعی خصوصی نیست. باید توجه داشت که ممکن است همه متضررین مستقیم از جرم در دادگاه کیفری، دعوای عمومی را اقامه نموده و عنوان شاکی خصوصی پیدا نکنند. در این صورت آیا این افراد را نمی‌توان مدعی خصوصی دانست؟ یا این که می‌بایست مانند کسانی که طرح دعوای حقوقی ناشی از غیر جرم می‌نمایند، خواهان خواند؟ به نظر می‌رسد که حتی اگر زیان دیده مستقیم از جرم، طرح دعوای کیفری ننموده باشد اما جبران خسارت وارده به خود را از دادگاه خواستار گردد، می‌توان او را مدعی خصوصی نام نهاد، چرا که منشأ طرح دعوای حقوقی وی، جرم است.

در هر حال بزه دیده مستقیم از جرم، چه در دادگاه جزایی اقامه دعوا کرده باشد چه نکرده باشد، قادر است دادخواست ضرر و زیان خود را به دادگاه رسیدگی کننده جنبه‌ی عمومی جرم یا به دادگاه حقوقی، تقدیم کند.

طبقه بندی جرایم

قانون گذار بنا به مصالحی خاص، سیاست جنایی خود را متأثر از مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و غیره اتخاذ نموده و در برخورد با جرایم شیوه‌های متفاوتی را بر می‌گزیند. صرف نظر از طبقه بندی فقهی جرایم به حق الله و حق الناس از که از موضوع مقاله حاضر خارج است، براساس شدت و ضعف جنبه‌ی عمومی جرم (آن بعد از جرم که مخل نظم عمومی است) و جنبه‌ی خصوصی جرم (جنبه‌ای که مربوط به ضرر و زیان افراد است)، جرایم را به دو دسته‌ی قابل گذشت و غیر قابل گذشت، تقسیم بندی می‌شوند.

الف) جرایم قابل گذشت: جرایم قابل گذشت، جرایمی هستند که قابل عفو و بخشش بوده و این قابلیت را به صورت قراردادی، از قانون دریافت می‌دارند. به این مفهوم که این جرایم نه به خاطر ذات خود بلکه به موجب تصریح قانون، قابل گذشت شناخته می‌شوند. باید توجه داشت که تعیین مفهوم دقیق ملاحظات جامعه و حاکمیت که بر اساس آن جرایم قابل گذشت بنا می‌شود و تعیین مصادیق جرایم قابل گذشت براساس این ملاحظات، عملاً ممکن نیست. زیرا مصادیق جرم قابل گذشت با توجه به فاکتورهای زمانی و مکانی، متفاوت است. اما با توجه به آثاری که جرایم قابل گذشت در حقوق داخلی دارند، می‌توان گفت که آن دسته از جرایمی که حیثیت خصوصی آن‌ها اهمیت ویژه‌ای داشته و بر حیثیت عمومی آن‌ها غلبه دارد، جرایم قابل گذشت نام دارند. در این گونه جرایم، قانون گذار بنا به مصالحی، تعقیب و اجرای مجازات را منوط به تقاضای شاکی خصوصی کرده است. به این معنا که جرم قابل گذشت فقط یک موجب برای تعقیب دارد و آن هم تقاضای بزه‌دیده از جرم است. ضمن این که بزه‌دیده می‌تواند از تقاضای خود مبنی بر تعقیب مجرم صرف نظر نموده و باعث توقف تعقیب این جرایم گردد، یعنی گذشت کند. ق.م.ا مصوب سال ۱۳۹۲، با تعریف جرائم قابل گذشت در تبصره ماده ۱۰۰، در ماده ۱۰۴ از شیوه احصای جرایم قابل گذشت بهره جسته است. به موجب ماده ۱۰۰ ق.م.ا جرایم قابل گذشت جرائمی می باشند که شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات، منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی است. و بنا به ماده ۱۰۴ این قانون علاوه بر جرائم تعزیری مندرج در کتاب دیات و فصل حد قذف این قانون و جرائمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می باشند، جرائم مندرج در قسمت اخیر مواد (۵۹۶)، (۶۰۸)، (۶۲۲)، (۶۳۲)، (۶۳۳)، (۶۴۲)، (۶۴۸)، (۶۶۸)، (۶۶۹)، (۶۷۶)، (۶۷۷)، (۶۷۹)، (۶۸۲)، (۶۸۴)، (۶۸۵)، (۶۹۰)، (۶۹۲)، (۶۹۴)، (۶۹۷)، (۶۹۸)، (۶۹۹) و (۷۰۰) از کتاب پنجم «تعزیرات» نیز قابل گذشت محسوب می‌شوند. طبق ماده ۱۰۳ همین

قانون چنانچه قابل گذشت بودن جرمی در قانون تصریح نشده باشد، غیر قابل گذشت محسوب می‌شود مگر اینکه حق الناس بوده و شرعاً قابل گذشت باشد. اثر قابل گذشت بودن جرایم آن است که چشم پوشی شاکی خصوصی از حق تعقیب خود (گذشت) در این دسته از جرایم، تعقیب و اجرای مجازات جرایم قابل گذشت را موقوف می‌سازد. لکن موقوف شدن تعقیب، صدور حکم یا اجرای مجازات، مانع از استیفای حقوق مدعی خصوصی نیست و متضرر از جرم می‌تواند دعوای خصوصی را در مرجع صالح اقامه نماید. (ماده ۱۱۳ ق. آ.د.ک سال ۱۳۹۲)

ب) جرایم غیر قابل گذشت: دسته‌ای از اعمال وجود دارند که در همه جا جرم شناخته می‌شوند. ارتکاب این جرایم بیش از آنکه منافع و حقوق خصوصی افراد را مورد تهدید قرار دهند، نظم عمومی را به مخاطره می‌اندازند. «نظم عمومی نیز چیزی جز روح و اصول قواعد انسانی حاکم بر جوامع بشری نیست. اگر این قواعد چه در جهت مثبت و چه در جهت منفی به هم بخورد، نظم عمومی به هم خورده است.» (محمدزاده، ص ۲۱)^۱ اگرچه نمی‌توان تعریف دقیق و روشنی، از نظم عمومی ارائه داد چرا که پاسخ به این سوال که آیا قوانین همیشه در جهت نظم عمومی حرکت می‌کنند، دشوار است. چه بسا انجام عملی خلاف عرف و قانون که برای رفع بی‌عدالتی صورت می‌گیرد، خود نوعی برقراری نظم عمومی باشد. در هر حال به عقیده برخی حقوقدانان، «نظم اجتماعی، مبین توقعات اساسی زندگی اجتماعی است که جنبه غالب این نظم قراردادی، بوده و هر جامعه به قواعد و مقرراتی نیاز دارد که تأمین کننده این نظم باشد» (نوربها، رضا ص ۱۳)^۲ این دسته از رفتارها که سبب ورود صدمه به نظم عمومی می‌شود و توقع جمعی بر آن است که توسط هیئت حاکمه با آن برخورد شود و به موجب قانون، جرم نامیده می‌شود؛ جرایم غیر قابل گذشت نام دارند. بنابراین تعقیب و یا عدم تعقیب این جرایم، به اراده زیان دیده از جرم یا وراث او بستگی ندارد. بنابه تعریف، «جرایم غیر قابل گذشت، جرایمی هستند که به دلیل آنکه حیثیت عمومی جرم در آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، مقامات مسئول بدون شکایت بزه‌دیده موظف به تعقیب مرتکب و اجرای مجازات می‌باشند.» (آخوندی، ۱۳۷۹ ص ۶۹)^۳ لذا نمی‌بایست در این جرایم، اختیار تعقیب مجرم در موکول به شرایط خاص یا اراده کسی گردد. اما دیده می‌شود که در این جرایم علی‌رغم این که افسار شروع به تعقیب به دست شاکی خصوصی نیست اما شاکی می‌تواند با گذشت خود یا استرداد شکایت موجبات تخفیف مجازات مرتکب را فراهم سازد اگرچه این اثر حقوقی بستگی به نظر قاضی دارد و تخفیف مزبور قانوناً اجباری نیست. (ناجی‌زواره ۱۳۹۴ ص ۳۸)^۴

در قوانین کیفری نیز اصل بر غیر قابل گذشت بودن جرم است چرا که جرم ابتدائاً نظم جامعه را بر هم می‌زند و مجنی علیه اولیه و اصلی آن جامعه است نه فرد و قابل گذشت بودن جرم استثنا بوده و نیاز به تصریح دارد. به طور کلی هدف آئین دادرسی که شاخه‌ای از حقوق جزا است، تأمین منافع متهم و حفظ مصالح اجتماع می‌باشد و نمی‌بایست اجرای مقررات خود را در اختیار بزه‌دیده قرار

دهد. ق.م.ا مصوب سال ۱۳۹۲، جرایم قابل گذشت را جرایمی دانسته که شکایت شاکی و گذشت وی در شروع به تعقیب و رسیدگی و ادامه آنها و اجرای مجازات تأثیری ندارد. (تبصره ۲ ماده ۱۰۰ ق.م.ا) باید توجه داشت که حق تعقیب یا عدم تعقیب فقط در جرم قابل گذشت برای شاکی خصوصی ایجاد می شود و در جرایم غیر قابل گذشت ارداد شاکی در تعقیب بی تأثیر است. (ناجی زواره ۱۳۹۴ ص ۵۷۳)

دعاوی ناشی از جرم

منظور از دعاوی ناشی از جرم آن است که بدانیم با وقوع جرم چه ادعاها و شکایاتی مطرح می شود. به طور کلی «وقوع جرم از این جهت که مخل نظم عمومی است، موجب دعاوی عمومی و از جهت این که ممکن است موجب ضرر و زیان اشخاص معین حقیقی یا حقوقی باشد، منشأ دعاوی خصوصی است.» (آخوندی ۱۳۸۳ ص ۱۵۱)^۶

الف) دعاوی عمومی: دعوی است که برای حفظ حقوق و آزادی های فردی متهم و سپس حفظ حقوق احتمالی (چرا که ممکن است اصلاً جرمی واقع نشده باشد) افراد جامعه توسط نهاد تعقیب، پیگیری می شود. با فرض صحت وقوع جرم، اصل بر آن است که ارتکاب جرم به نظم عمومی لطمه وارد می آورد و به همین جهت دارای جنبه عمومی است و دعاوی ناشی از آن، دعاوی عمومی نام دارد و دادسرا به نمایندگی از جامعه موظف است دعاوی عمومی را به جریان بیندازد.

ب) دعاوی خصوصی: دومین حقی که ارتکاب جرم علیه مرتکب آن ایجاد می کند، «حق خصوصی است که به متضرر از جرم اجازه می دهد جبران ضرر و زیان ناشی از جرم را بخواهد. وسیله اجرای این حق، دعاوی خصوصی است.» (هدایتی ۱۳۴۲ ص ۱۶)^۷ منظور از ادعای خصوصی، مطالبه ضرر و زیان مادی یا معنوی است که منشأ آن جرم بوده و موضوع فرعی دادرسی های جزایی است. بنا بر ق.آ.د.ک مصوب سال ۱۳۹۲ ارتکاب جرم میتواند موجب طرح دو دعوی شود: الف- دعاوی عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی ب- دعاوی خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه دیده است مانند حد قذف و قصاص.

نقش های شاکی در فرآیند دادرسی کیفری جرایم غیر قابل گذشت در مرحله دادسرا

همان گونه که اشاره شد، مهمترین نقش شاکی خصوصی در فرآیند دادرسی جرایم، گذشت می باشد که می تواند سرنوشت تعقیب و پیرو آن متهم را دگرگون سازد. لازم به ذکر است که گذشت در جرایم قابل گذشت، موقوفی تعقیب را به دنبال دارد در حالیکه در جرایم غیر قابل گذشت، بیشترین تأثیر خود را در اعمال مجازات بر مجرم نمایان ساخته و با عنایت به اینکه شاکی می تواند در تمامی مراحل دادرسی

گذشت نماید، به نظر می رسد گذشت در مرحله دادسرا می تواند موجبات تخفیف در مراحل دادگاه را هم فراهم سازد.

اولین موضوعی که در رابطه با گذشت به ذهن متبادر می گردد موضوع گذشت است. اینکه گذشت از سوی گذشت کننده، به چه موضوعی یا چه کسی تعلق می گیرد. به دعاوی ناشی از جرم است یا شخص مجرم یا هر دو و اگر گذشت ناظر به دعاوی ناشی از جرم است، دعاوی عمومی یا دعاوی خصوصی را شامل می شود. دلایل شاکی خصوصی از گذشت مختلف است. گاهی به دلیل کم اهمیتی جرم نزد وی، شاکی از پیگیری جرم واقع شده علیه خود، صرف نظر می کند. گاهی اوقات نیز به خاطر شخصیت مرتکب جرم، در صدد اعلام رضایت برمی آید. بنابراین بدون آگاهی از ذهنیات وی، نمی توان دریافت که او در اعلام گذشت، چه موضوعی را مدنظر قرار داده است. به نظر نگارنده، اطلاع از این که موضوع گذشت ناظر به فعل مجرمانه است یا شخص مجرم، از این جهت اهمیت دارد که اگر معتقد باشیم گذشت قربانی جرم، گذشت از فعل مجرمانه است؛ اگر شاکی خصوصی در یکی از مراحل رسیدگی گذشت کند، در جرایم قابل گذشت تعقیب موقوف می شود و در جرایم غیرقابل گذشت، سبب تخفیف مجازات می گردد. حال اگر در اثنای رسیدگی مشخص شود که متهم پرونده بی گناه است و مجرم اصلی فرد دیگری است؛ در جرایم قابل گذشت، شاکی خصوصی قادر نخواهد بود که شکایت کیفری را علیه مجرم اصلی، طرح نماید. چرا که سابقاً از اصل جرم گذشت کرده است. در جرایم غیرقابل گذشت نیز اگرچه خود مقام قضایی موضوع را علیه مجرم اصلی به جریان می اندازد، اما چون نتیجه ی گذشت شاکی در جرایم غیرقابل گذشت، تخفیف مجازات است، گذشت سابق شاکی خصوصی، می تواند موجبات تخفیف مجازات مجرم اصلی را فراهم نماید. اما چنانچه گذشت را ناظر به مرتکب جرم بدانیم، با به تحقق پیوستن فرض اخیر، گذشت سابق بلااثر می باشد و شاکی خصوصی می تواند نسبت به مجرم اصلی، تصمیم گیری نماید که از او گذشت کند یا خیر. از طرفی نمی بایست گذشت را ناظر به دعاوی خصوصی یا همان ضرر و زیان ناشی از جرم، دانست. چرا که اصولاً اصالت گذشت ناظر به دعاوی مطروحه است مگر اینکه قیدی وجود داشته باشد. بنابراین تا زمانی که دعاوی خصوصی طرح نشده است، نمی توان گذشت را ناظر به آن دانست. از طرفی چنین برداشتی به ذهن متبادر می گردد که گذشت شاکی خصوصی در جرایم قابل گذشت ناظر به تعقیب دعواست. چرا که در این جرایم، تعقیب، با شکایت شاکی خصوصی آغاز می شود و اگر او هدفش در گذشت، شخص مجرم می بود، اصلاً اعلام شکایت نمی کرد. پس با اعلام شکایت و متعاقب آن، اعلام گذشت، گذشت وی را باید ناظر به دعوا بدانیم. از دیگر سو حق خصوصی ذاتاً قابل گذشت است و در جرایم قابل گذشت حق خصوصی است که غالب است، گذشت متضرر از جرم، اصل دعوا است که اثر آن بسته شدن پرونده است. اما اگر موضوع اصلی جرمی، نظم عمومی باشد، چون نظم عامه ذاتاً غیرقابل گذشت نیست، گذشت متضرر

از جرم، گذشتن از حقوق خودش نسبت به یک شخص است که آثارش بر متهم مترتب می‌شود. در هر صورت باید گفت از آنجا که هدف گذشت کننده از اعلام رضایت، ذهنی بوده و برای مقام قضایی آشکار نمی‌باشد، به جاست مقام قضایی برای اخذ تصمیم صحیح، شاکی خصوصی را مورد پرسش قرار دهد که از شخص مجرم گذشت کرده است یا از فعل مجرمانه. (مصطفوی ۱۳۸۸ صص ۱۴-۱۸)^۸

شرایط گذشت در جرایم غیرقابل گذشت

آنچه از قوانین بر می‌آید آن است که شرایط گذشت مستوجب موقوفی تعقیب و گذشت منجر به تخفیف مجازات به موجب قانون یکسان است. گذشت، باید منجز بوده و به گذشت مشروط و معلق در صورتی ترتیب اثر داده می‌شود که آن شرط یا معلق علیه تحقق یافته باشد. هم چنین گذشت مشروط یا معلق مانع تعقیب، رسیدگی و صدور حکم نیست، ولی اجرای مجازات در جرائم قابل گذشت منوط به عدم تحقق شرط یا معلق علیه است. (ماده ۱۰۱ ق.م.ا.ج.د و تبصره آن) اگرچه در ق.آ.د.ک.د.ع.ا. مصوب سال ۱۳۷۰، به گذشت معلق و مشروط ترتیب اثر داده نمی‌شد. عدول از گذشت مسموع نیست. لازم به ذکر است در فرآیند تعقیب جرایم غیرقابل گذشت، شاکی خصوصی نقشی ندارد به طوری که بدون وجود شکایت شاکی و یا علیرغم استرداد شکایت یا گذشت وی دعوای عمومی این جرایم تعقیب می‌گردد. هم چنین برای تعقیب جنبه عمومی جرایم غیر قابل گذشت شکایت شاکی موضوعیت نداشته و صرفاً طریقی است برای به جریان انداختن دعوای عمومی. (ناجی ۱۳۹۴ صص ۷۵-۷۶)^۹ این شکایت شرط لازم و ضروری تعقیب دعوای عمومی این دسته از جرایم نیست بلکه سایر موجبات مانند گزارش ضابطان دادگستری امکان تعقیب را فراهم می‌سازد و فقط در تعقیب جرایم منافی عفت که غیرقابل گذشت هستند، آثار متفاوتی دارد.

نقش شاکی خصوصی در دادسرا تا قبل از صدور حکم در نظام کیفری ایران

دادرسی جزایی که منجر به دستگیری مجرم و اعمال مجازات بر وی می‌گردد، دارای مراحل مختلفی است که مرحله اول آن، کشف جرم است که وظیفه کشف جرم، برعهده پلیس یا ضابطان مقام قضایی است. اما از آنجا که حضور بزهدیده در زمان تحقیقات در جرایم با جنبه عمومی غالب (غیر قابل گذشت) موجب حفظ حقوق وی خواهد شد چرا که دادسرا به دنبال اثبات بزهکاری است و در این مسیر حقوق بزهدیده در درجه دوم اهمیت قرار دارد (شیری ۱۳۸۸ صص ۴۵۰)^{۱۰} به بزهدیده‌ای که طرح شکایت کیفری کرده، نقش‌هایی به شرح ذیل اعطا شده است.

نقش شاکی خصوصی در مرحله کشف جرم

از جمله نقش‌های شاکی خصوصی در مرحله کشف جرم می‌توان به اعلام شکایت اشاره کرد. شکایت (شکواییه) یا درخواست، عبارت است از تقاضای کتبی یا شفاهی برای رسیدگی به یک جرم که معمولاً از سوی شاکی یا ذینفع ارائه می‌شود. (اعتدال ۱۳۷۷ ص ۵۹)^{۱۱} شکایت شاکی یکی از طرق کشف جرم و اجرای دعوی عمومی است. بزه دیده حق دارد که به دادگاه مراجعه کرده و رأساً و یا از طریق نمایندگان قانونی خود و یا وکلای دادگستری طرح شکایت نماید. از جمله نمایندگان قانونی شاکی، می‌توان به ولی یا سرپرست قانونی بزه‌دیده محجور، دادستان، سازمان‌های مردم‌نهاد نهادهای دولتی عمومی غیردولتی اشاره کرد.

شکایت شاکی خصوصی در جرایم غیرقابل گذشت، رکن لازم و ضروری در شروع به رسیدگی به این جرایم نمی‌باشد. چرا که اگر مقام قضایی به طرق دیگر غیر از شکایت شاکی خصوصی به وقوع جرم غیرقابل گذشت پی ببرد، مکلف به تعقیب و رسیدگی است. در حقیقت می‌توان گفت شاکی خصوصی در مرحله کشف جرایم غیرقابل گذشت می‌تواند نقش اعلام کننده جرم را داشته باشد. چرا که در این مرحله، اثر متفاوتی بر شکایت شاکی خصوصی یا اعلام جرم توسط سایرین مترتب نیست. هم چنین شاکی می‌تواند بزه‌کاران و همدستان وی را معرفی و ورود مأمورین به خانه درخواست نماید. به موجب بند ۴۵ ق.آ.د.ک مصوب سال ۹۲ (که مبین مصادیق جرم مشهود می‌باشد) آن است که جرم در منزل یا محل سکنای افراد، اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن، در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکنای خود درخواست کند. در حالی که بنا بر بند ۵ ماده ۲۱ ق.آ.د.ک سابق، این اختیار به صاحب‌خانه داده شده بود که پس از وقوع جرم، ورود مأمورین را به خانه خود تقاضا نماید. در حالی که به نظر ممکن بود صاحب‌خانه بزه دیده نباشد. هم چنین طبق بند ۲ ماده ۴۵ قانون صدرالاشاره بزه‌دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، می‌تواند شخص معینی را به‌عنوان مرتکب معرفی کنند. در این موارد، جرم در زمره جرایم مشهود قرار می‌گیرد که ضابطین دادگستری در این دسته از جرایم دارای اختیارات مبسوطی می‌باشند. بعنوان نمونه قادر هستند به مدت ۲۴ ساعت، متهم را تحت نظر نگهداری نمایند که بعضاً موجب تحدید حقوق و آزادی‌های فردی است. چرا که اولاً مشخص نیست فردی که بلافاصله پس از ارتکاب جرم، شخص معینی را مرتکب جرم معرفی می‌نماید، بزه دیده واقعی بوده باشد. ثانیاً ممکن است این شخص در تشخیص متهم دچار اشتباه شده باشد. از سویی ممکن است فردی به منظور متهم جلوه دادن دیگری، چنین درخواستی از مقام قضایی بنماید.

نقش در مراحل تعقیب و تحقیقات مقدماتی

پس از مرحله کشف جرم غیر قابل گذشت، تعقیب دعوی عمومی ناشی از آن یا همان تعقیب کیفری بزه‌کاران، با تولیت دادستان به طرفیت متهم انجام می‌شود و شاکی خصوصی، نقش فعال و

مؤثری در تعقیب جرایم غیرقابل گذشت، ایفا نمی‌کند. اگرچه شاکی دارای حقوق مختلفی در این مرحله می‌باشد، اما نظر به اینکه برخی از این حقوق، اثرگذاری چشمگیری در سرنوشت پرونده کیفری ندارند، از بیان آن‌ها خودداری می‌گردد.

از جمله نقش‌های شاکی می‌توان به موارد ذیل‌الذکر اشاره نمود:

الف) دسترسی به پرونده و ارائه ادله: بنابر ماده ۱۰۰ ق.آ.د.ک شاکی می‌تواند در هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و ادله‌اش را اظهار کند، صورت مجلس تحقیقات مقدماتی یا سایر اوراق پرونده را که با ضرورت کشف حقیقت منافات ندارد، مطالعه کند و یا به هزینه خود از آنها تصویر یا رونوشت بگیرد. اگرچه قاضی می‌تواند در این خصوص قرار رد درخواست صادر نماید که این قرار قابل شکایت از سوی شاکی است. دسترسی شاکی به اسناد طبقه‌بندی شده، اسناد مربوط به جرایم منافی عفت و اسناد مرتبط با جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی ممنوع بوده و ممکن است به دلیل وجود چنین اسنادی در پرونده شاکی هیچ‌گاه نتواند اسناد و مدارک پرونده دسترسی داشته باشد. ممنوعیت‌های مزبور قابل اعتراض نمی‌باشد. درخصوص اسناد مربوط به جرایم منافی عفت باید گفت نظر به اینکه تحقیقات در این دسته جرایم مستقیماً توسط دادگاه صورت می‌پذیرد، بررسی نقش شاکی در این دسته جرایم و در مرحله تحقیقات مقدماتی در دادسرا موضوعیت ندارد.

ب) دعوت یا احضار شاکی: در مواردی که جرم ارتكابی غیرقابل گذشت بوده و متهم دستگیر شده و افراد زیادی از جرم وی متضرر شده‌اند و جرم مزبور دارای شاکی بوده باشد شاکی احضار شده و راجع به سایر جهات تحقیقات صورت می‌پذیرد. همچنین طبق ماده ۹۷ و ۱۰۱ ق.آ.د.ک بازپرس به منظور حمایت از بزه دیده و در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور داده و مکلف است در مواردی که دسترسی به اطلاعات فردی بزه دیده، احتمال خطر و تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی و حیثیت وی را به همراه داشته باشد، تدابیر مقتضی را برای جلوگیری از دسترسی به این اطلاعات اتخاذ کند.

ج) احضار و جلب شاهد: شاکی می‌تواند در احضار و یا حتی جلب شاهد نقش داشته باشد چرا که بنا بر ماده ۲۰۴ قانون مذکور بازپرس به تشخیص خود یا با معرفی شاکی شخصی که حضور یا تحقیق از وی را برای روشن شدن موضوع ضروری تشخیص دهد، برابر مقررات احضار می‌کند. هم‌چنین در صورتی که شاهد یا مطلع برای عدم حضور خود عذر موجهی نداشته باشد جلب می‌شود درحالی‌که جلب شاهد یا مطلع، مخالف با موازین حقوقی و اخلاقی است.

د) جلب متهم: طبق قانون، قاضی قادر نیست کسی را احضار یا جلب نماید مگر آنکه دلایل کافی برای احضار یا جلب وی داشته باشد. پس از ارائه دلایل و مدارک به مقام قضایی، مقام مذکور برای انجام تحقیقات، می‌تواند متهم را احضار نماید. احضار متهم به وسیله احضارنامه به عمل می‌آید و متهم موظف است در موعد مقرر حاضر شود و اگر نتواند، باید عذر موجه خود را اعلام نماید. اگرچه

نمی‌بایست متهم توسط شاکی خصوصی، جلب گردد اما در صورت ضرورت، طبق تبصره ۲ ماده ۱۸۴ ق.آ.د.ک جدید قاضی می‌تواند برگ جلب را در اختیار شاکی خصوصی قرار دهد تا با معرفی او، ضابطین، متهم را جلب نمایند. ممکن است این اختیار، سبب سوء استفاده وی گردد و از طرف دیگر ممکن است شاکی خصوصی در پی جلب متهم، دچار آسیب روحی و صدمات و خسارت مالی نیز گردد و این موضوع، بار منفی فراوانی بر وی تحمیل نماید. اگرچه به نظر می‌رسد اعطای چنین اختیاری به شاکی خصوصی، می‌تواند ترضیه خاطر او را فراهم آورد و به او اطمینان دهد که مرجع قضایی در صدد حمایت از اوست، اما انجام اقدامات قضایی، نمی‌بایست در اختیار افراد قرار گرفته و آزادی متهمین توسط آنها محدود گردد. (مصطفوی ۱۳۸۸ ص ۱۱۵)^{۱۲}

ه) ارجاع به میانجی‌گری: در صورت گذشت شاکی در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، مقام قضائی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجی‌گری ارجاع دهد. در مورد جرایم غیرقابل گذشت، اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، مقام قضائی می‌تواند تعقیب متهم را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در صورت عدم اجرای تعهدات مورد توافق از سوی متهم بدون عذر موجه، بنا به درخواست شاکی یا مدعی خصوصی، قرار تعلیق تعقیب را لغو و تعقیب را ادامه می‌دهد. ماده ۸۲ ق.آ.د.ک

نقش شاکی خصوصی در اعتراض و صدور قرارهای صادره

در مرحله تحقیقات مقدماتی اتخاذ تصمیمات قضایی که از سوی مقام تحقیق گرفته می‌شود، قرار نام دارد. (آشوری ۱۳۷۹ ص ۱۷۲)^{۱۳} این تصمیمات در اثنای رسیدگی اتخاذ می‌گردد که شاکی در برخی از آنها دارای نقش‌ها و امتیازاتی است که ذیلاً به آن اشاره شده است.

الف) قرار بایگانی پرونده: در جرایم غیرقابل گذشت که شاکی ندارد و یا شاکی گذشت کرده است و جرم از جرائم تعزیری درجه هفت و هشت بوده و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، با رعایت شرایط مقرر قانونی مقام قضائی می‌تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با أخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط یک‌بار از تعقیب متهم خودداری نماید و قرار بایگانی پرونده صادر می‌گردد. ماده ۸۰ ق.آ.د.ک

ب) قرار منع و موقوفی تعقیب: بنا بر ماده ۱۰۴ قانون جدید شاکی می‌تواند به قرارهای صادره از سوی دادرس از جمله توقف تحقیقات صادره با موافقت دادستان در جرائم تعزیری درجه چهار، پنج، شش، هفت و هشت (تحقیقات در این دسته جرایم مستقیماً توسط دادگاه صورت می‌پذیرد)، که با انجام

تحقیقات لازم، مرتکب آن معلوم نبوده و دو سال تمام از وقوع جرم گذشته، در مهلت مقرر اعتراض کرده و هرگاه هویت مرتکب را به دادستان اعلام کند به دستور دادستان موضوع مجدداً تعقیب می‌شود.

ج) قرار تعلیق تعقیب: از جمله نقشهای شاکی در مراحل نهایی تحقیقات در دادسرا در جرایم غیرقابل گذشت، آن است که به موجب ماده ۲۸۳ قانون جدید، پس از صدور کیفرخواست و قبل از ارسال به دادگاه، هرگاه شاکی در جرائم غیر قابل گذشت، رضایت قطعی خود را به دادستان اعلام کند، دادستان در صورت فراهم بودن شرایط صدور قرار تعلیق تعقیب (در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است)، می‌تواند از کیفرخواست عدول و تعقیب را معلق کند و به استناد بند الف ماده ۳۸ ق.ا.م.صوب ۱۳۹۲، مجازات مرتکب را تخفیف دهد و در صورتی که در نتیجه رضایت شاکی نوع مجازات تغییر کند (مانند قتل عمدی که مستوجب قصاص نفس است که با گذشت شاکی از قصاص نفس تبدیل به حبس تعزیری می‌گردد)، دادستان از کیفرخواست قبلی عدول و بر این اساس کیفرخواست جدید صادر می‌کند. این نهاد که در راستای توجه هر چه بیشتر به حقوق متهم بنا شده است و ردپای حمایت غیرمستقیم از بزه‌دیده نیز در این نهاد مشاهده می‌شود. چرا که یکی از راه‌های تسهیل جبران خسارت بزه‌دیده تعلیق تعقیب است زیرا زمینه تشویق متهم به جبران خسارت را فراهم می‌کند و متهم به منظور مصونیت از تعقیب کیفری، برای جبران خسارت‌ها و جلب رضایت بزه‌دیده تلاش خواهد کرد. (زینالی ۱۳۹۲ ص ۲۰۱)^{۱۴}

د) ارجاع امر به کارشناس: کارشناس رسمی یا خبره، از قبیل پزشک، داروساز، مهندس و ارزیاب هنگامی دعوت می‌شوند که اظهار نظر آنان از جهت علمی یا فنی یا معلومات مخصوص لازم باشد. بازپرس می‌تواند در صورت لزوم از پزشک معالج نیز دعوت به عمل آورد. ماده ۱۲۸ ق.ا.د.ک در موارد ارجاع امر به کارشناس طبق ماده ۱۵۵ ق.ا.د.ک، هر گاه به نظر شاکی خصوصی نظر کارشناس ناقص باشد به کارشناس اخطار می‌گردد که یا نظر خود را تکمیل کند و یا حضوراً نزد بازپرس به پرسش‌های موجود پاسخ دهد. در صورتی که کارشناس حاضر نشود، جلب می‌گردد.

ه) قرار تأمین خواسته: هدف از صدور قرار تأمین خواسته، جلوگیری از تضییع حقوق احتمالی شاکی می‌باشد پیش بینی این قرار، تضمین حقوق شاکی خصوصی پس از حکم دادگاه است. لذا بنابر ماده ۱۰۷ قانون شاکی قادر است تأمین ضرر و زیان خود را از بازپرس بخواهد. زمانی قرار تأمین خواسته صادر می‌گردد که تقاضای شاکی، مبتنی بر دلایل قابل قبول باشد. با صدور این قرار در صورتی که خواسته شاکی، عین معین نبوده یا عین معین بوده، اما توقیف آن ممکن نباشد، معادل مبلغ ضرر و زیان شاکی از سایر اموال و دارایی‌های متهم توقیف می‌گردد. در مواردی که مطالبه خواسته به تقدیم دادخواست نیاز دارد، چنانچه شاکی تا قبل از ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را به دادگاه کیفری تقدیم نکند، به درخواست متهم، از قرار تأمین خواسته رفع اثر می‌شود

و) صدور قرار تأمین کیفری: برای امکان دسترسی به متهم و حضور مرتب وی در مواعد لازم

و جلوگیری از فرار یا اختفای او، (آخوندی ۱۳۷۹ ص ۱۴۱)^{۱۵}، بازپرس می‌تواند یکی از قرارهای تأمین را صادر نماید. صدور این قرارها پس از تفهیم اتهام به متهم امکان پذیر است شاکی خصوصی در تعیین نوع و میزان قرار تأمین، نقش دارد. چرا که میزان خسارت وارده به اوست که می‌تواند ملاک صدور این قرارها قرار گیرد. و به صراحت ماده ۲۱۹ قانون مورد اشاره مبلغ وجه التزام، وجه الكفاله و وثیقه نباید در هر حال از خسارت وارد به بزه دیده کمتر باشد. بنابراین ملاحظه می‌شود شاکی خصوصی هم در نوع قرار تأمین کیفری صادره برای متهم و هم در مبلغ آن، نقش بسزایی ایفا می‌کند و از این طریق می‌تواند حتی موجبات سلب آزادی متهم را فراهم آورد. چرا که اگر متهم قادر به سپردن وثیقه یا وجه الكفاله نباشد، با صدور قرار بازداشت موقت که شدیدترین نوع تأمین است، به صورت موقت، بازداشت می‌شود که این موضوع با حقوق متهم مغایر است. چرا که متهم هنوز در معرض اتهام بوده و انتساب اتهام به وی، محرز نشده است. هم چنین از شرایط صدور این قرار بنابر ماده ۳۳۸ ق.آ.د.ک، آن است که آزاد بودن متهم موجب به خطر افتادن جان شاکی یا خانواده او شود لکن بنا بر تبصره ۳ ماده ۲۱۷ در جرائم غیر عمدی در صورتی که به تشخیص مقام قضائی تضمین حقوق بزه دیده به طریق دیگر امکان پذیر باشد، صدور قرار کفالت و وثیقه جایز نیست. از طرفی تضمین حقوق بزه‌دیده از طریق قرارهای تأمین کیفری احتمالی و مشروط به رعایت تشریفات از سوی شاکی یا مدعی خصوصی است از جمله اینکه در مواردی که مطالبه خواسته به تقدیم دادخواست نیاز دارد.

(ذ) قرار اناطه: هرگاه احراز مجرمیت متهم منوط به اثبات مسائلی باشد که رسیدگی به آنها در صلاحیت مرجع کیفری نیست، و در صلاحیت دادگاه حقوقی است، با تعیین ذی‌نفع و با صدور قرار اناطه، تا هنگام صدور رأی قطعی از مرجع صالح، تعقیب متهم، معلق و پرونده به صورت موقت بایگانی می‌شود. (ماده ۲۱ ق.آ.د.ک) صدور قرار اناطه، باعث ختم تحقیقات مقدماتی نمی‌گردد و فقط پرونده را به‌طور موقت از شعبه خارج می‌سازد؛ اما همواره پرونده در چرخه دادرسی باقی می‌ماند. قرار اناطه قابل اعتراض توسط شاکی خصوصی می‌باشد. (بند الف ماده ۲۷۰) که در صورت نقض این قرار بازپرس یا دادیار به تحقیقات خود ادامه خواهد داد.

نقش شاکی خصوصی در قرارهای نهایی

ماده ۲۶۴ ق.آ.د.ک قرار نهایی را قرار می‌داند که پس از انجام تحقیقات لازم و اعلام کفایت و ختم تحقیقات، بازپرس را مکلف می‌سازد به صورت مستدل و مستند، عقیده خود را حداکثر ظرف پنج روز در قالب قرار مناسب، اعلام کند. در حقیقت این قرارها به منزله خاتمه تحقیقات مقدماتی است و «آن‌گاه صادر می‌شود که بازپرس یا قاضی تحقیق پس از اتمام تحقیقات نسبت به اقدامات معمول و نتایج به‌دست آمده به داوری می‌نشیند و سرانجام با صدور قرار مجرمیت، نظر خود را مبنی بر وجود دلایل

کافی جهت جلب متهم به محاکمه یا قرار منع تعقیب، اعلام می‌دارد» (آشوری ۱۳۷۹ ص ۱۵۲-۱۵۳)^{۱۶} قرارهای نهایی عبارتند از: قرار منع تعقیب، قرار موقوفی تعقیب، توقف تحقیقات، ترک تعقیب، عدم صلاحیت، امتناع از رسیدگی یا قبولی ایراد رد دادرسی و قرار جلب به دادرسی. (قرار مجرمیت در قانون سابق) از جمله نقش‌های شاکی در صدور قرارهای مزبور آن است که شاکی می‌تواند ظرف مهلت اعتراض به قرارها (و با رعایت تشریفات مقرر قانونی)، به قرار توقف تعقیب اعتراض کند. هرگاه شاکی، هویت مرتکب را به دادستان اعلام کند یا مرتکب به‌نحو دیگری شناخته شود، به دستور دادستان موضوع مجدداً تعقیب می‌شود. در مواردی که پرونده مطابق قانون به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح شود، دادگاه رأساً مطابق مقررات این ماده اقدام می‌کند ماده ۱۰۴ ق.آ.د.ک. همچنین شاکی خصوصی یا مدعی خصوصی، می‌توانند به استناد یکی از جهات رد قاضی تحقیق که در ماده ۴۲۱ ق.آ.د.ک آمده است، قاضی تحقیق را رد نموده و موضوع را به صورت کتبی به دادرس دادگاه، اعلام نماید. که در صورت پذیرش، مقام قضایی دادسرا از رسیدگی امتناع نموده و رسیدگی به دادرس دیگر محول می‌گردد. از جمله قرارهای قابل اعتراض توسط شاکی در جرایم غیرقابل گذشت، قرار منع و موقوفی تعقیب می‌باشد. که موارد صدور آن به ترتیب در ماده های ۱۳ و ۲۶۵ قانون فوق تبیین گردیده است. با شکایت شاکی نسبت به این قرار و ارسال شکایت به دادگاه صالح چنانچه اعتراض شاکی موجه دانسته شود، قرار جلب به دادرسی صادر شده و پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه ارسال کرده بدون اینکه به صدور کیفرخواست از سوی دادستان نیازی باشد. در مواردی که به نظر دادگاه، تحقیقات دادسرا کامل نباشد، بدون نقض قرار می‌تواند تکمیل تحقیقات را از دادسرا بخواهد یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات کند صورت نقض قرار موقوفی تعقیب، بازپرس مطابق مقررات، به پرونده رسیدگی و با انجام تحقیقات لازم، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.

سایر نقش‌های شاکی در فرآیند تحقیقات مقدماتی

الف) اعتراض به قرار صادره در دادگاه ویژه روحانیت: باید توجه داشت که طبق ماده ۱۳ آیین نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت مصوب ۳۶۹/۵/۱۴ مقام معظم رهبری و اصلاحیه آن در تاریخ ۱۳۸۴/۹/۳ کلیه قرارهای صادره به جز موارد منع تعقیب یا موقوفی تعقیب که در صورت اعتراض شاکی یا مدعی خصوصی در فرجه قانونی در دادگاه ویژه روحانیت قابل رسیدگی است.

ب) طرح دعوای شفاهی: به استناد ماده ۸۶ ق.آ.د.ک، شاکی در طرح دعوای شفاهی در دادگاه نقش دارد. در غیر جرایم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون، چنانچه متهم و شاکی حاضر باشند یا متهم حاضر و شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد و تحقیقات مقدماتی هم کامل باشد، دادستان می‌تواند رأساً یا به درخواست بازپرس، با اعزام متهم به دادگاه و در صورت حضور شاکی به همراه او، دعوای کیفری را بلافاصله بدون صدور کیفرخواست به‌صورت شفاهی مطرح کند.

ج) مطالبه ضرر و زیان: شاکی در صورت مطالبه ضرر و زیان می‌تواند حداکثر ظرف پنج روز دادخواست خود را تقدیم کند و دادگاه می‌تواند فارغ از امر کیفری به دعوی ضرر و زیان رسیدگی و رأی مقتضی صادر نماید. شاکی می‌تواند با پرداخت هزینه دادرسی و ارائه دادخواست ضرر و زیان جبران خسارت ناشی از جرم را در قالب دعوی خصوصی مطالبه کند اما چنانچه تشریفات صدور قرار تامین خواسته رعایت نگردد، از او جبران خسارت نخواهد شد. بنابر صراحت ق.آ.د.ک سابق و جدید، شاکی خصوصی برای آنکه بتواند ضرر و زیان ناشی از جرم را مطالبه کند، می‌بایست با رعایت تشریفات آیین دادرسی دادخواست ضرر و زیان ارائه داده و عنوان مدعی خصوصی یابد. اما از آنجا که ارائه دادخواست ضرر و زیان، مستلزم پرداخت هزینه می‌باشد، ممکن است شاکی خصوصی قادر به پرداخت هزینه ارائه دادخواست نباشد - اگرچه در مواردی که از حوصله نوشتار حاضر خارج است، مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم نیازمند ارائه دادخواست و پرداخت هزینه نیست. - این حق طبق ماده ۳۸ ق. آ.د.ک که اشعار می‌دارد ضابطان دادگستری مکلفند شاکی را از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌های موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی آگاه سازند، به شاکی تفهیم می‌گردد. از طرفی در ق.آ.د.ک سابق امکان مطالبه ضرر و زیان معنوی ناشی از جرم برای شاکی وجود نداشت اما به صراحت ماده ۱۴ قانون مورد اشاره و تبصره‌های آن، شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند. ملاحظه می‌شود که ضرر و زیان معنوی نیز از جمله ضررهای قابل مطالبه شده و گامی مثبت در راستای اجرای بهتر عدالت برداشته شده است در حالی که در قانون سابق امکان مطالبه ضرر و زیان معنوی وجود نداشت.

د) گذشت شاکی: ملموس‌ترین و مهم‌ترین نقش شاکی خصوصی در دادرسی‌های جزایی جرایم غیرقابل گذشت، اعلام گذشت است که اثر آن در تخفیف مجازات متهم، نمود پیدا می‌کند. در نظام قضایی ایران، اعلام گذشت شاکی خصوصی در مراحل مختلف دادرسی، می‌تواند سبب تخفیف مجازات مجرم گردد. تفاوتی نمی‌کند که اتهام، ثابت شده باشد یا خیر، متهم یا مجرمی در لحظه اعلام گذشت، در کار باشد یا نباشد. در هر صورت اعلام گذشت شاکی خصوصی چه در مرحله کشف جرم و چه در مرحله صدور حکم، تخفیف مجازات مرتکب جرم را نتیجه می‌دهد. بنابراین ملاحظه می‌شود که استفاده از این تاسیس، برای متهم یا مجرم، مفید می‌باشد.

منتهای مراتب قانون‌گذار بدون توجه به آثار مثبت گذشت، با بیان عبارت "می‌تواند" در ماده ۳۷ ق.م.ا، دادگاه‌ها را در اعمال تخفیف مجازات مرتکب در صورت وجود یکی از موجبات تخفیف مجازات از جمله گذشت شاکی خصوصی، مختار نموده است. اختیار دادگاه در اعمال تخفیف در صورت گذشت شاکی خصوصی، در ق.م.ا. سابق مصوب ۱۳۷۰ نیز پیش‌بینی شده بود. اگر بپذیریم که ترتیب اثر دادن به گذشت شاکی خصوصی در جرایم با جنبه عمومی، برای رواج رفت و عطوفت در جامعه و کاهش اثرات منفی مجازات بر مجرم و جامعه پیرامون او بوده است، مختار بودن مراجع قضایی در تخفیف مجازات،

موردی ندارد. می‌بایست در مقابل حق گذشت شاکی خصوصی، تکلیفی برای دادگاه مبنی بر اعمال تخفیف مجازات، وجود داشته باشد. از سوی دیگر، مختار بودن مراجع قضایی در اعمال تخفیف، سبب می‌شود که برخی از مجرمین خسارات وارده به شاکی خصوصی را به راحتی جبران نکنند. چرا که ممکن است شاکی خصوصی قبل از اعلام گذشت، با مجرم توافق نماید که در صورت جبران خسارتش از سوی او، اعلام گذشت نماید. اما مجرم می‌بیند که چه خسارت شاکی را جبران بکند چه خیر، ممکن است از تخفیف مجازات بهره‌مند نشود. لذا در صدد ترمیم لطمات وارده به شاکی خصوصی، بر نمی‌آید. در حالی که «تحقیقات نشان داده است که جبران خسارت، مهم‌ترین دغدغه خاطر بزه دیدگان است» (رایت - مارشال - مایز و دیگران ۱۳۸۴ ص ۶۳)^{۱۷} نه تعیین مجازات شدید برای مجرم. تخفیف ندادن مجازات مجرم در صورت گذشت مجنی علیه مخصوصاً در مجازات‌های سالب آزادی، بزهکار را در طی تحمل مجازات، از جامعه گریزان کرده و قدرت و توان سازنده وی را می‌کاهد و هم چنین از بزه دیده، خسارت‌زدایی نشده و او هم قادر به بازگشت به زندگی عادی، نخواهد بود. هم چنین مجازات کردن متهم، رنج، عقوبت و محرومیت را بر خانواده و بستگان وی، تحمیل می‌نماید و منافع ناچیزی برای بزه دیده، بزهکار و جامعه، در بردارد.

نتیجه‌گیری

با مذاقه در ق.آ.د.ک جدید مصوب سال ۱۳۹۲ در می‌یابیم که قانون مزبور رویکرد پیشرفته‌تری به منافع شاکی خصوصی نسبت به قانون سابق داشته است و با ایجاد تصمیمات و تاسیسات کیفری نوین، گامی در راستای اجرای هرچه بیشتر عدالت برداشته است اگرچه در برخی موارد اعمال آن تاسیسات، مستلزم فقدان شاکی خصوصی یا گذشت اوست. ولی در هر حال شاکی می‌تواند در کیفیت تعقیب این جرایم موثر باشد. به تدریج، با پیشرفت جوامع علاوه بر احقاق حقوق زیان دیده از جرم، مسئله حفظ منافع اجتماع، مورد توجه قرار گرفت و توجه‌ها به آن بعد از جرم که ناظر بر اختلال در نظم عمومی بود، معطوف گردید. و خود هیئت حاکمه بود که مستقیماً بزه را دنبال می‌کرد. بعدها اهدافی از قبیل اصلاح بزهکار، حمایت از جامعه از طریق اصلاح فرهنگی بزهکار و مصون داشتن جامعه از شر بزهکار، ارباب بزهکار (پیشگیری فردی)، ارباب دیگران (پیشگیری عمومی) و در آخر جلب رضایت مجنی علیه برای تامین و اجرای عدالت برای مجازات، در نظر گرفته شد و مقررات حقوق جزا را به سمت فردی شدن پیش برد. در این راستا، به جرایمی توجه شد که بیش از آن که منافع جامعه را هدف قرار داده و دچار اختلال کنند، به بزه دیده آسیب وارد می‌آوردند و منافع او را تهدید می‌کردند. بنا بر این مقرر گردید پیش از آن که در تعقیب چنین جرایمی، هیئت حاکمه دخالت نماید، امتیازاتی را به بزه دیده اعطا کند که خود او تقاضایش را مبنی بر تعقیب در قالب شکایت کیفری یا عدم تعقیب، بیان نماید. از طرفی در صورت اعلام شکایت، انصراف خود او سبب توقف تعقیب و رسیدگی به این جرایم گردد. این جرایم، جرایم قابل گذشت نام

گرفتند. پدیده جرم قابل گذشت در حقوق جزا و اثر پذیری بلا شرط اراده متضرر از جرم در تعقیب و مجازات مرتکبین، این جرایم را ابزاری مشروع برای اخذ انتقام مشروع در می آورد و حقوق جزا را از رسالت اولیه و اصلی خود به عنوان علم اجتماعی و ابزار حفظ نظم جامعه، دور می سازد.

با تصویب ماده ۱۰۴ ق.ا.د.ک جدید، تفکیک جرایم قابل گذشت از جرایم غیر قابل گذشت، امکان پذیر گردید. اما با توجه به عبارات «دادگاه می تواند» در ماده ۳۷ ق.ا.م.ا، اثر بخشی به نقش شاکی خصوصی در جرایم قابل گذشت در قالب اعمال تخفیف، به نظر دادگاه سپرده شد و نقش رضایت شاکی خصوصی در فرایند تعقیب این جرایم، تضعیف گردید.

قانون گذار برای شاکی خصوصی در جرایم غیر قابل گذشت نیز امتیازاتی را در نظر گرفته است تا از این طریق بتواند در اجرای هر چه بیشتر عدالت، گام بردارد شاکی خصوصی نیز همان بزه دیده مستقیم جرم است که به موجب قوانین، حق اقامه دعوا علیه بزه کار را دارد و این حق را در قالب شکایت کیفری، اعمال کرده است. اگرچه در دعوی عمومی جرم غیر قابل گذشت، تقدیم یا عدم ارائه شکایت از سوی شاکی خصوصی موثر در نفس تعقیب نیست. گفت که در این خصوص، حقوق و محدودیتهای ایجاد شده برای دسترسی به اوراق پرونده برای شاکی و متهم یکسان بوده و قانونگذار از اصل برابری سلاح ها را رعایت نموده است. (ناجی ۱۳۹۴ ص ۲۲۹)^{۱۸}

نکته قابل تامل در رابطه با اعطای نقش به شاکی خصوصی، آن است که اصولاً شاکی خصوصی چگونه می تواند در حقوق جزا که جزو حقوق عمومی بوده و هدف آن حفظ نظم عمومی است، ایفای نقش نماید و قائل شدن نقش برای او حتی در تعقیب یا اجرای مجازات، با رسالت حقوق جزا در تعارض است یا خیر. از طرفی، از آن جا که آیین دادرسی کیفری، نماد عدالت کیفری و فلسفه عملی حقوق جزا محسوب شده که اصول و قواعد حقوق جزا را مورد تحلیل قرار می دهد و هدف آن تامین منافع بزه دیدگان، تامین منافع متهم و حمایت از جامعه در برابر بزه کاران می باشد، آیا توجه به اراده شاکی خصوصی، آیین دادرسی کیفری را از هدف خود دور نمی سازد؟ آیا هدف از اعمال مقررات جزایی، تشفی خاطر بزه دیده است و بر همین اساس است که در برخی موارد، اراده او در رسیدگی به جرم، دخالت داده می شود؟

اما مسلم آن است که هدف از تدوین مقررات جزایی، نمی بایست انتقام جویی از مجرم و تامین رضایت خاطر بزه دیده از به کیفر رساندن مجرم باشد و این مسئله باید در تنظیم مقررات شکلی و ماهوی، مدنظر قرار گیرد. با مطالعه سیاست حاکم بر حقوق کیفری ایران، در می یابیم که علی رغم امتیازات وسیعی که به شاکی خصوصی داده شده است که بعضاً برخی از آن ها تزیین حقوق متهم را سبب می شود؛ در موارد مهمی، ایفای نقش شاکی خصوصی بلااثر یا حداقل دارای اثر مشروط، دانسته شده است. در حقیقت می توان گفت شاکی خصوصی در دادرسی های جزایی جرایم غیر قابل گذشت، دارای نقش فرعی بوده و نمی توان او را به عنوان یکی از اصحاب دعوا به صورت پر و پا قرص، عنوان کرد.

به طور خلاصه، می توان گفت نقش گسترده شاکی خصوصی در دادرسی های جزایی، به نسبت متهم، حقوق

جزا را از رسالت اصلی خود دور ساخته است و سبب مخدوش ساختن اصل تساوی سلاح‌ها در میان طرفین شده است. اگرچه قانون جدید در بسیاری از موارد سعی در تکمیل قانون سابق داشته از و در این راستا تغییرات مثبتی حاصل گردیده است.

از طرفی باید به این مسئله مهم، توجه نمود که آیا نقش بزه دیده در کاهش میزان مجازات جرایمی با جنبه عمومی، جنبه بازدارندگی مجازات را از بین نمی‌برد؟ چرا که برای رسیدن به هدف بازدارندگی مجازات‌ها قاطعیت و سرعت در مجازات‌ها لازم و ضروری است، نه انتقام، آیا تخفیف مجازات با توجه به گذشت بزه دیده، قاطعیت مجازات‌ها را از بین نمی‌برد؟

قانون و قضا باید از افراد به گونه‌ای یکسان حمایت کنند و هیچ فردی در این زمینه نسبت به دیگری برتری ندارد منظور از اصل برابری برابری حقوقی یعنی برابری در بهره‌مندی از حق و تکلیف است. نقض بی‌طرفی موجب تبعیض میان افراد در بهره‌مندیشان از حق و تکلیف می‌شود. (ناجی مجله حقوقی ۱۳۸۵ ص ۳۳-۳۴)^{۱۹}

فهرست منابع

۱. محمدزاده/ رضا/ نظم عمومی در حقوق کیفری/ پایان نامه کارشناسی ارشر جزا و جرم شناسی/ دانشگاه شهید بهشتی/ سال ۱۳۸۷-۱۳۸۸. ص ۲۱
۲. نوربها/ رضا/ زمینه حقوق جزای عمومی/ کانون وکلای دادگستری تهران/ چ دوم/ سال ۱۳۷۵/ ص ۱۳
۳. آخوندی، محمود/ آئین دادرسی کیفری ج (۲)/ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی/ چ اول/ سال ۱۳۷۹/ ص ۳
۴. ناجی زواره/ مرتضی/ آشنایی با آیین دادرسی کیفری دعاوی ناشی از جرم و تحقیقات مقدماتی/ جلد اول/ خرسندی/ چاپ اول/ ۱۳۹۴/ ص ۷۳
۵. ناجی زواره همان/ ص ۷۳
۶. آخوندی همان/ ص ۸۳
۷. هدایتی/ محمدعلی/ آیین دادرسی کیفری/ دانشگاه تهران/ چ دوم/ سال ۱۳۴۲/ ص ۱۶
۸. مصطفوی مریم سادات/ نقش شاکی خصوصی در فرایند دادرسی کیفری در جرایم غیرقابل گذشت در حقوق ایران/ استاد راهنما: نادر نوروزی/ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز/ سال ۱۳۸۸/ صص ۱۴-۱۸
۹. ناجی زواره همان/ صص ۷۵-۷۶
۱۰. شیری/ عباس/ رفتار کرامت مداری با بزه‌دیده: اعطای اختیار در مرحله تحقیق و تعقیب/ تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)/ تهران/ میزان/ سال ۱۳۸۸/ ص ۴۵۰
۱۱. اعتدال، محمد/ آئین دادرسی کیفری در قلمرو قضایی ایران/ نوید شیراز/ شیراز/ چ اول/ سال ۱۳۷۷/ ص ۵۹
۱۲. مصطفوی همان/ ۱۱۵
۱۳. آشوری، محمد/ آئین دادرسی کیفری ج (۲)/ سمت/ تهران/ چ اول/ سال ۱۳۷۹/ ص ۱۷۲
۱۴. زینالی امیر حمزه- مقدسی محمدباقر/ رویکرد تطبیقی به نقش و جایگاه بزه‌دیده در فرآیند کیفری/ مجله آموزه‌های حقوق کیفری/ دانشگاه علوم رضوی/ شماره ۵/ تابستان ۱۳۹۲/ ص ۲۰۱
۱۵. آخوندی همان/ ص ۱۴۱
۱۶. آشوری همان/ صص ۱۵۲-۱۵۳
۱۷. رایت، مارتین مارشال، تونی مایز، مایکل و دیگران/ عدالت ترمیمی ارتقا بخشیدن به رویکردهای بزه دیده محوری (مجموعه مقالات) /ترجمه: سماواتی پیروز، امیر/ خلیلیان / تهران/ چ اول/ سال ۱۳۸۴/ ص ۶۳

۱۸. ناجی همان / ص ۲۲۹

۱۹. ناجی زواره مجله حقوقی دادگستری شماره ۵۶ و ۵۷ پاییز و زمستان ۱۳۸۵ / صص ۳۳-۳۴